



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

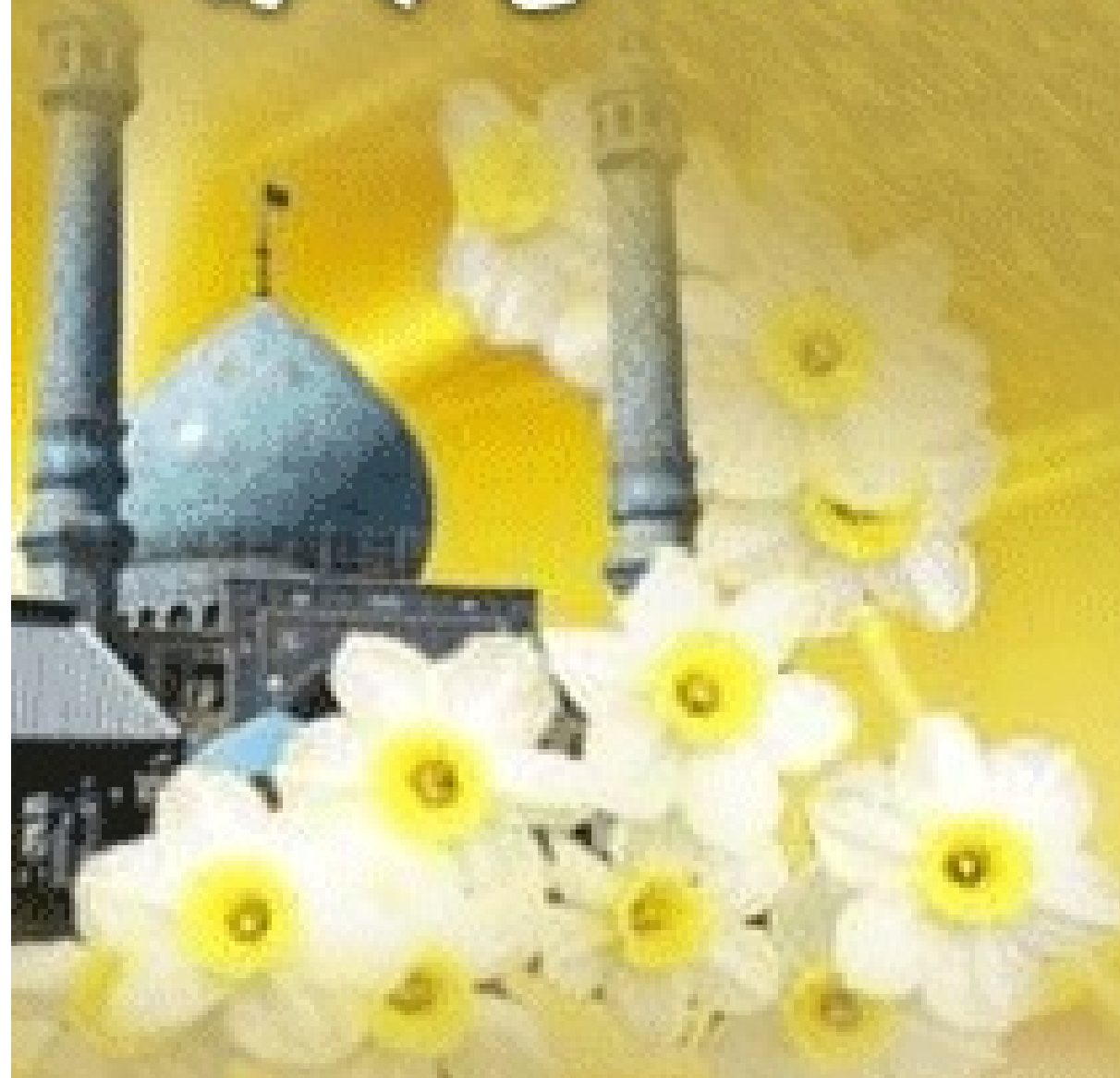


عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

آئینہ زیبایی ہا

شناخت شناسی مہدویت



محمود میر دامادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آینه‌ی زیبایی‌ها: شناخت شناسی مهدویت

نویسنده:

سید محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	آيينه ی زیبایی ها :شناخت شناسی مهدویت
۶	مشخصات کتاب
۶	ولادت، مکان تولد و نگهداری
۱۱	پنهان بودن میلاد امام
۱۳	راه شناخت مهدی
۱۳	مهدی موعود اسلام از عرب است
۱۳	مهدی از بنی هاشم است
۱۳	مهدی از قریش است
۱۴	مهدی از اهل بیت پیامبر است
۱۵	مهدی از اولاد کنانه است
۱۵	پاورقی
۱۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

آیینہ ی زیبایی ها: شناخت شناسی مهدویت

مشخصات کتاب

سرشناسه: میردامادی محمود، ۱۳۳۶-

عنوان و نام پدیدآور: آیینہ ی زیبایی ها: همراه با مقاله‌های چشم خدا می‌بیند، مهدویت و اطلاع رسانی با که بگویم... / محمود بحر العلوم میردامادی تهیه و تنظیم مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عج).

مشخصات نشر: قم: بهار قلوب ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۸۸ ص.

فروست: سلسله مقالات شناخت شناسی مهدویت ۲.

شابک: ۶۰۰۰ ریال ۵-۹-۹۳۶۱۰-۹۶۴؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ سوم)

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ص. [۷]-۳۶. آیینہ ی زیبایی ها - ص. [۳۷]-۵۴. چشم خدا می‌بیند - ص. [۵۵]-۷۱. مهدویت و اطلاع رسانی - ص.

[۷۳]-۸۷. با که بگویم!؟

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق --. - مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: مهدویت -- انتظار -- مقاله‌ها و خطابه‌ها

رده بندی کنگره: ۹۲۹۳م/BP۲۲۴/۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۳۵۹۷۲

ولادت، مکان تولد و نگهداری

ظهور و امامت آن حضرت، مسئله ای است اساسی که نقش سرنوشت ساز و جهت بخشی را به زندگی و رفتار دین باوران، بویژه ولادت و زندگی مهدی موعود (عج)، از رخدادهای مهم است و ریشه در باور دینی مسلمانان دارد. اعتقاد به تولد، حیات طولانی، شیعیان داده است. احادیث فراوانی از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) از طریق سنی و شیعه رسیده که بیانگر ویژگیهای شخصی امام زمان (عج) استاز خاندان رسالت، از فرزندان فاطمه (ع)، نهمین فرزند امام حسین (ع)، دوازدهمین پیشوای شیعیان و... [۱] گزارشگران تاریخ نیز، چه آنان که پیش از ولادت وی می زیسته اند و چه آنان که در زمان ولادت و پس از آن بوده اند، از این ولادت پر برکت خبر داده اند و برخی از آنان که توفیق دیدار و مشاهده مهدی (عج) را داشته اند از شمایل و اوصاف آن امام سخن گفته اند. [۲] با وجود این شواهد و قراین، که در درستی آنها تردیدی نیست، هنوز درباره زندگی و شخص آن حضرت، مسایل و مطالبی مطرح است که بحث و بررسی بیشتر و دقیق تری را می طلبد. در این نوشتار، بر آنیم که ضمن اشاره گذرا به سیر طبیعی زندگی امام عصر (عج)، از آغاز تولد تا عصر ظهور، به اندازه توان و مجال، به برخی از پرسشها پاسخ بدهیم. حضرت مهدی (عج)، ولادت استثنایی داشته و این برای بسیاری سؤال انگیز بوده و هست. از این روی، ترسیم و تصویر و شرح مقدمات ولادت و برخورد مخالفان و دشمنان اهل بیت (ع)، در برابر این پدیده، ضرور می نماید. جریان امامت پیشوایان معصوم (ع)، پس از رسول خدا (ص) فراز و فرودهای گوناگونی پیدا کرد. امامان (ع)، با حفظ استراتژی کلی و خطوط اساسی امامت، در رابطه با حفظ

مکتب و ارزشهای آن، تاکتیکها و روشهای گوناگونی را در برابر ستم پیشگان، در پیش گرفتند. این فراز و نشیبها، تا زمان امامت علی بن موسی الرضا(ع)، استمرار داشت و امامان اهل بیت هر یک به تناسب زمان و مکان و ارزیابی شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی، موضعی خاص انتخاب می کردند. پس از امام رضا(ع)، جریان امامت شکل دیگری یافت. امام جواد، و امام هادی و امام حسن عسگری(ع)، در برابر دستگاه حاکم و خلفای عباسی موضعی یگانه برگزیدند. از آن جا که این بزرگواران، زیر نظر مستقیم و مراقبت شدید خلیفه وقت، در حصر و حبس به سر می بردند، حرکتها، هدایتها و رهبریهای آنان محدود شد و فرصت هرگونه حرکت سیاسی، از آنان سلب گردید. این محاصره و سخت گیری، نسبت به امامان سه گانه، از تزویج دختر خلیفه به امام جواد(ع) آغاز شد [۳] و با فراخوانی امام هادی(ع) و فرزندش امام حسن(ع) به مرکز خلافت (سامراء) و سکونت دادن آنان در محله (عسکر) ادامه یافت. [۴] گزارشهای جاسوسان خلیفه از مدینه به وی رسید که امام هادی(ع) محور و ملجای شیعیان و دوستان اهل بیت گردیده است. اگر این مرز و بوم را می خواهی اقدام کن. متوکل عباسی، پیامی به والی مدینه نوشت و افرادی را برای آوردن امام، به سامراء گسیل داشت. به این اقدام هم بسنده نکرد، پس از اقامت امام در سامراء، گاه و بی گاه ماموران خود را به خانه امام می فرستاد. بارها و بارها آن حضرت را به پیش خلیفه بردند، و مورد آزار و اذیت قرار دادند. [۵] روز به روز، حلقه محاصره تنگ تر می شد. و ملاقات شیعیان با امام دشوارتر. البته علت اصلی این سخت گیریها، از ناحیه حکومت، بیم از انقلاب و شورش مردم علیه آنان و جلوگیری از رسیدن وجوه شرعی و اموال به امام(ع) و مسائلی از این دست بود. پس از امام هادی(ع) و در زمان امامت امام حسن(ع)، این فشارها به اوج رسید و دشمن، با تمام توان و تلاش، در برابر آن حضرت موضع گرفت و ارتباط شیعیان با امام(ع) را به پایین ترین حد رساند. آزار و شکنجه و زندانهای مکرر آن حضرت، گویای این حقیقت است، بویژه این که دشمن احساس کرده بود آنچه را که از آن نگران است، در شرف تکوین و وقوع قرار گرفته از این روی، می کوشید تا واقعه را پیش از وقوع آن علاج کند. تولد مهدی موعود(عج)، به عنوان دوازدهمین پیشوای شیعیان، با نشانه هایی چونهمین فرزند امام حسین(ع)، چهارمین فرزند امام رضا(ع) و... مشهور شده بود و مسلمانان حتی حاکمان، آن را بارها از زبان راویان و محدثان شنیده بودند و می دانستند که تولد این نوزاد با این ویژگیها، از این خانواده، بویژه خانواده امام حسن عسگری(ع) بیرون نیست و روزی فرزندی از آن خانواده به دنیا خواهد آمد که حکومت عدل و داد بر پا خواهد کرد و ضمن فرمانروایی بر شرق و غرب، بنیاد ظلم را بر خواهد انداخت. از این روی بر فشارها و سخت گیری های خود نسبت به امام حسن عسگری(ع)، می افزودند، مگر بتوانند با نابودی ایشان از تولد مهدی(عج) و تداوم امامت جلو بگیرند [۶] اما برخلاف برنامه ریزیها و پیشگیریهای دقیق و پی در پی آنان، مقدمات ولادت امام زمان(عج) آماده شد و توطئه های دشمنان، راه به جایی نبرد. امام هادی(ع)، در زمان حیات خویش می دانست که آخرین حجت خدا در زمین از نسل اوست. از این روی در مساله ازدواج فرزند برومند خود، حسن بن علی اهتمام تام داشت و برای روییدن و رشد آن شجره طیبه، به دنبال سرزمینی طیب و طاهر می گشت. داستان ازدواج امام حسن(ع) به دو گونه روایت شده است، لکن آنچه با قرائن و روند طبیعی مساله سازگارتر می آید آن است کهخواهر امام هادی(ع)، حکیمه خاتون، کنیزان فراوان داشت. امام هادی(ع) یکی از آنان را به نام (نرجس)، که از آغاز زیر نظر وی فرائض و معارف دینی را به درستی فرا گرفته بود، به نامزدی فرزندش در آورد و با مقدماتی که در کتابهای تاریخی آمده است، به عقد ازدواج امام حسن(ع) در آورد. [۷] مدتی از این ازدواج مبارک گذشت دوستان و شیعیان در انتظار ولادت آخرین ستاره امامت، روز شماری می کردند و نگران آینده بودند. امام حسن(ع)، گاه گاه، نوید مولودش را به یاران می داد (... سیرزنی الله ولداً بمنه و لطفه). [۸]. به زودی خداوند به من فرزندی خواهد داد و لطف و عنایتش را شامل من خواهد کرد. با تلاوت مکرر آیه شریفه (یریدون لیطفئوا نورالله بائفواهم والله متم نوره ولو کره الکافرون). [۹] به یاران امید و بشارت می داد که هیچ نقشه و مکرری نمی تواند جلو این قدرت و حکمت خداوندی را بگیرد و روزی این وعده به تحقق می رسد. از آن سو، دشمن نیز، آنچه در توان داشت به کار گرفت، تا این وعده بزرگ الهی، تحقق نیابد قابله های فراوانی در

خانواده های منسوب به امام حسن (ع)، بویژه در منزل امام (ع) گمارد، امام را بارها به زندان افکند، مامورانی را گمارد که اگر فرزند پسری در خانه امام دیدند، نابودش کنند و... [۱۰] اما بر خلاف این تلاشها، نرجس خاتون حامل نور امامت شد و جز امام حسن (ع) و افراد خاصی از وابستگان و شیعیان آن حضرت، از این امر، آگاه نشدند. [۱۱] تقدیر الهی بر تدبیر شیطانی ستمگران پیروز شد و در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق. آن مولود مسعود، قدم به عرصه وجود نهاد و نوید امامت مستضعفان و حاکمیت صالحان را داد. [۱۲] امام حسن (ع) که آرزوی خود را بر آورده دید، فرمود (زعمت الظلمة انهم يقتلونی ليقطعوا هذا النسل فكيف راوا قدرة الله)... [۱۳] ستمگران بر این پندار بودند که مرا بکشند، تا نسل امامت منقطع گردد، اما از قدرت خداوند غافل بودند. بدین ترتیب، در آن شرایط رعب و وحشت و در آن فضای اختناق و حاکمیت خلفای جور، دوازدهمین ستاره فروزان امامت و ولایت طلوع کرد و با تولدش، غروب و افول ستمگران و حاکمیت ستمدیدگان را اعلام کرد. [۱۴]. یاد آوری دو نکته ۱. ولادت پنهانیمعمولاً کسی که دارای فرزند می شود، خویشان، دوستان و همسایگان از آن آگاه می شوند، بویژه اگر شخص دارای موقعیت اجتماعی باشد، این مساله از کسی پوشیده نمی ماند. چگونه می توان تصور کرد که برای امام حسن (ع) نوزادی به دنیا بیاید و مخالفان، با آن همه دقت و حساسیت و گماردن جاسوسهای فراوان در منزل امام و وابستگان آن حضرت، از تولد نوزاد آگاه نگردند. آیا این مساله عادی و طبیعی بود، یا اعجاز و خرق عادت؟ پاسخ امام حسن (ع)، از پیش گویها آگاه بود و اهمیت و عظمت آن مولود را نیز به درستی می دانست و از حساسیت دشمنان درباره تولد این نوزاد، غافل نبود و اوضاع سیاسی و شرایط اجتماعی را کاملاً می شناخت، از این روی، به گونه ای، مقدمات و پیش زمینه های ولادت فرزندش را فراهم ساخت که نه تنها دشمنان، بلکه بسیاری از دوستان هم از این امر آگاه نشدند. بنابراین، می توان گفت تدبیر و کیاست و حزم و دور اندیشی امام حسن (ع) ایجاب می کرد تا آن حضرت به گونه ای این مأموریت را به انجام رساند که دشمنان در هدفهای شوم خود، ناکام بمانند و چنین هم شد. به همین جهت، شیخ طوسی، ولادت پنهانی امام زمان (ع) را امری عادی و معمولی دانسته و می نویسد (این نخستین و آخرین حادثه نبوده است و در طول تاریخ بشری، نمونه های فراوان داشته است). [۱۵] اشاره دارد، به ولادت پنهانی ابراهیم (ع)، به دور از چشم نمرودیان [۱۶] و ولادت پنهانی موسی (ع) به دور از چشم فرعونیان. [۱۷]. ۲. مکان تولد و نگهداری در این باره، چند احتمال وجود دارد الف. در سامرا به دنیا آمد و تا آخر عمر پدر بزرگوارش، در آن جا زیست. ب. در سامرا متولد شد و پیش از درگذشت پدر، به مکه فرستاده شد. ج. در سامرا قدم به عرصه وجود نهاد و برای حفاظت و رشد، او را به مدینه بردند. د. در مدینه زاده شد و در همان جا ادامه حیات داد. برای هر یک از این احتمالات شواهد و قرائنی است که به نقد و بررسی آنها می پردازیم. دلایل احتمال اول ۱. برای احتمال اول، دسته ای از روایات را که بیانگر تبریک و تهنیت شیعیان، بر امام حسن (ع) است، شاهد آورده اند، از جمله باو الفضل الحسین بن الحسن العلوی گوید (دخلت علی ابی محمد (ع) بسر من رای فنهاته بسیدنا صاحب الزمان علیه السلام لما ولد). [۱۸] در سامرا، به منزل امام حسن (ع) رفتم و ولادت سرورمان، صاحب الزمان (ع) را به وی تبریک گفتم. این گونه روایات، می رساند گروهی از شیعیان سامرا که از تولد فرزند امام حسن (ع) با خبر شده اند، برای عرض تبریک، به خدمت ایشان رسیده اند. به نظر ما، این گونه روایات، دلالتی ندارند بر این که مهدی (ع)، در منزل امام (ع) به دنیا آمده، یاخیر، زیرا امکان دارد، در محل دیگری به دنیا آمده و خبر ولادت وی، به اصحاب و یاران خاص رسیده است و آنان برای تبریک، به منزل امام (ع) در سامرا رفته اند. ۲. روایاتی که به عبارات گوناگون، از زبان حکیمه خاتون، نقل شده است، از جمله دعوت امام حسن (ع)، از ایشان در شب ولادت مهدی (ع)، برای کمک به نرجس خاتون و مشاهده وی، امام زمان (ع) را به هنگام ولادت و پس از آن، در سامرا. [۱۹] به این دسته از روایات هم نمی توان اعتماد کرد، زیرا، در برابر این دسته از روایات، روایت دیگری است که تعارض دارد با آنها. نقل کرده اند (شخصی پس از وفات امام حسن (ع) در مدینه به خدمت حکیمه خاتون می رسد و از ایشان می پرسد امام پس از امام حسن (ع) کیست؟ ایشان پاسخ می دهد زمین خالی از حجت نیست و فرزند امام حسن (ع) جانشین اوست. راوی می پرسد که شما فرزند ایشان را دیده اید یا شنیده اید.

می گوید شنیده ام) [۲۰] اصولاً، روایاتی که از طریق حکیمه در این باره رسیده است، اضطراب دارند و روشن نیستند. و نمی توان بر آنها برای اثبات این احتمال، استدلال کرد. ۳. روایاتی که بیانگر دیدن امام زمان، توسط گروهی از اصحاب، در منزل امام حسن عسکری (ع) است. - امام، در پاسخ آنان که درخواست دیدن جانشین وی را دارند، می فرماید (... هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم، اطیعوه و لاتتفرقوا من بعدی فتهلکوا فی ادیانکم، اما... نکم لاترونه بعد یومکم هذا. قالوا فخرجنا من عنده فما مضت الا ایام قلائل حتی مضی ابو محمد (ع)). [۲۱] پس از من، این پسر، امام شماس و خلیفه من است در میان شما. امر او را اطاعت کنید از گرد رهبری او پراکنده نشوید که هلاک می گردید و دینتان تباه می شود. این را هم بدانید که شما او را پس از امروز، نخواهید دید. آن جمع گفتند از نزد امام بیرون آمدیم، و روزی چند نگذشت تا اینکه امام حسن (ع) در گذشت. - از این قبیل است ملاقات احمد بن اسحاق و سعد با امام حسن (ع). احمد بن اسحاق می گوید برای آن حضرت مقداری وجوه شرعی از طرف مردم بردم. در پایان خواستم پرسشهایی مطرح کنم. امام حسن (ع) فرمود (... والمسائل التي اردت ان تساله فاسال فاسال قره عینی و او ما الی الغلام فسال سعد الغلام المسائل، وردّ علیہ باحسن اجوبه، ثم قال مولانا الحسن بن علی الی الصلاة مع الغلام وجعلنا نختلف بعد ذلك الی منزل مولانا (ع) فلا نری الغلام بین یدیه). [۲۲] پرسشهایی که داری از نور چشم من (اشاره فرمود به مهدی (ع)) پرس. سعد آنچه خواست پرسید و آن پسر، با بهترین شیوه پاسخ داد. سپس امام یازدهم فرمود نماز را با وی بخوانید. از آن پس به خانه امام رفت و آمد داشتیم، لکن آن حضرت را ندیدیم. - مردی از شیعیان از اهل فارس می گوید (به سامرا رفتیم. جلو منزل امام حسن (ع) رسیدیم، بدون این که اذن بطلبیم، امام (ع) مرا به داخل خانه فرا خواند. هنگامی که وارد شدم و بروی سلام کردم از افرادی احوال پرسسی کرد. سپس فرمود بنشین و پرسید به چه انگیزه ای به این جا آمدی؟ عرض کردم برای خدمت به شما. فرمود در خانه ما باش. از آن روز به بعد، با سایر خدمتگزاران در خدمت امام (ع) بودم. گاهی مسؤولیت بازار و خرید اجناس و لوازم، به عهده من بود. مدتی گذشت که با افراد، انس گرفتم. روزی از روزها، بر امام حسن (ع) وارد شدم و ایشان در اتاق مردان بودند. صدایی شنیدم که به من فرمود سر جایت بایست. ایستادم. ناگهان کنیزی را دیدم که چیزی خدمت امام (ع) آورد و روی آن پوشیده بود. امام (ع) مرا به نزدیک فرا خواند، به خدمتش رفتم. سپس آن کنیز را صدا زد و او برگشت. به او فرمود روپوش را کنار بزن و او چنین کرد. پسر بچه ای را دیدم زیبا صورت گندمگون و... آن گاه فرمود هذا صاحبکم. سپس دستور داد، وی را بردند و دیگر آن مولود را ندیدم تا امام یازدهم از دنیا رفت). [۲۳] در این نمونه از روایات چند نکته است ۱. اشخاصی که حضرت را در خانه امام یازدهم دیده اند، بیش از یک مرتبه دیدار نداشته اند و در رفت و آمدهای بعدی، آن حضرت را ندیده اند. احتمال دارد که امام حسن (ع)، برای اتمام حجت و این که بعد از ایشان، حضرت مهدی (ع) امام شیعیان است، دستور داده آن حضرت را به سامرا بیاورند و سپس به محلی که در آن زندگی می کرد و نگهداری می شد، برگردانند. ۲. اگر امام مهدی (ع) در سامرا می زیست و اصحاب مورد وثوق هم رفت و آمد داشتند، چه مانعی داشت که آن حضرت را بار دیگر ببینند و اطمینان بیشتری بیابند. ۳. در روایت اولی آمده است که آن چهل نفر گفتند چند روزی از ملاقات ما با امام زمان (ع) نگذشت که امام حسن (ع) در گذشت. معلوم می شود آن ملاقات در آخر عمر امام یازدهم صورت گرفته است و این، منافات ندارد که در هنگام ولادت و یا بعد از آن، در سامرا نمی زیسته و اواخر عمر امام حسن (ع)، برای تحویل امور امامت و خلافت و نیز اتمام حجت، به سامرا آمده باشد. دلایل احتمال دوم برخی بر این باورند که حضرت مهدی (ع)، مدتی پس از ولادت، از سامرا هجرت کرد، و تا رحلت پدر بزرگوارشان در مکه مکرمه زندگی می کرد. مسعودی در اثبات الوصیه، از حمیری و او از احمد بن اسحاق نقل می کند که گفت (دخلت علی ابی محمد (ع) فقال لیما کان حالکم فیما کان الناس فیہ من الشک والارتیاب؟ قلت یا سیدی لما ورد الکتاب بخبر سیدنا ومولده لم یبق لنا رجل ولا امرأه ولا غلام بلغ الفهم... لا قال بالحق، فقال اما علمتم ان الارض لاتخلو من حجة الله ثم امر ابو محمد (ع) والدته بالحج فی سنه تسع وخمسين وماتین وعرفها ما يناله فغ سنه الستین، واحضر الصحاب (ع) فاوصی الیه وسلم الاسم الاعظم والمواریث والسلاح الیه وخرجت ام ابی

محمد مع‌الصاحب جميعاً الی مکة و...) [۲۴] بر امام حسن عسکری (ع) وارد شدم. فرمود چگونگی این در مسأله ای که مردم در آن تردید دارند؟ گفتم سرور من! وقتی خبر ولادت سید و مولای ما، به ما رسید مرد و زن و کوچک و بزرگ ما، آن را پذیرفتند. امام فرمود آیانمی دانید که زمین از حجت خدا هرگز خالی نمی ماند. پس از این، امام حسن (ع) در سال ۲۵۹ امام مهدی (ع) را همراه با مادر خود [مادر امام حسن] به سوی مکه و حج فرستاد و سفارشهای لازم را کرد و امور مربوط به امامت را به وی وا گذاشت و به مادرش از حوادث سال آینده [سال] ۲۶۰ خبر داد. از این روایت چند نکته به دست می آید. ۱. خبر ولادت حضرت مهدی (ع)، به بسیاری از شیعیان داده شده بود و آنان به وسیله نامه و یا افراد مطمئن، از این مسأله خبردار شده بودند. ۲. شیعیان درباره تولد حضرت مهدی (ع) در حیرت و تردید بودند و بسیاری به واسطه همین مسأله دچار لغزش و انحراف شدند. ۳. مدتی پس از ولادت، امام مهدی (ع) در سامرا بوده است. ۴. امام مهدی (ع) برابر این نقل، چهار سالگی و یک سال پیش از درگذشت پدر بزرگوارشان، شهر سامرا را ترک کرده و سفارشها و اسرار امامت را در همان زمان از پدر دریافت کرده و از آن پس، امام حسن (ع) را ملاقات نکرده است. ۵. آن حضرت، به همراهی جدّه خود، به سوی مکه رفته اند و در آن وادی امن، رحل اقامت افکنده اند. مؤید این احتمال، روایاتی است که مکان و مسکن حضرت مهدی (ع) را (ذی طوی)، محلی در نزدیکی مکه، دانسته اند. دلایل احتمال سوّم و چهارم حضرت مهدی (ع) یا در سامرا به دنیا آمد و به مدینه فرستاده شد و یا در مدینه به دنیا قدم نهاد و در همانجا ماندگار شد. بر این دو احتمال، می توان روایات و گزارشات تاریخی اقامه کرد که به برخی از آنها اشاره می کنیم: ابی جعفری می گوید (قلت لابی محمد (ع) جلالتك تمنعني من مسالتك فتاذن لي ان اسالك؟ فقال سل. قلت يا سیدی هل لك ولد؟ فقال نعم، فقلت فان حدث بك حدث فاین اسال عنه؟ قال بالمدينة). [۲۵] به امام حسن عسکری (ع) عرض کردم پرسشی دارم، ولی بزرگوار می شما مانع پرسیدن من است. اجازه می دهید آن را مطرح سازم؟ امام (ع) فرمود پرس. گفتم سرورم، آیا شما را فرزندی هست؟ فرمود آری. گفتم اگر پیش آمدی شد کجا می توان او را یافت؟ فرمود مدینه. ظاهر این صحیح آن است که در زمان حیات امام حسن (ع)، مهدی (عج) به دنیا آمده و در سامرا نبوده است. ابی هاشم هم از کسانی نبوده است که امام (ع) از او تقیه کند. این که امام (ع) فرمود در مدینه است، به این معنی نیست که بعد از درگذشت من سراغ او را در مدینه بگیرید؛ زیرا سؤال کننده می دانست که زمین خالی از حجت نیست و وجود حجت بعد از امام یازدهم ضروری است، امام (ع) هم در جواب فرمود آن حجت، در مدینه نگهداری می شود و نگران آینده نباشید. شاید این اشکال به ذهن بیاید که از کلمه (المدينة) نمی توان فهمید که همان مدینه رسول الله (ص) است که پیش از آن، یثرب نام داشت، بلکه هر شهری را شامل می شود. در نتیجه، با وجود این احتمال، استدلال به روایت ناتمام خواهد بود؟ پاسخگر چه بعضی از بزرگان نیز این احتمال را داده اند، ولی برخی دیگر، مدینه را به همان مدینه منوره معنی کرده اند. مؤیدات دیگری هم از روایات بر این احتمال می توان اقامه کرد. علامه مجلسی می نویسد (قال بالمدينة ای الطيبة المعروفة او لعله علم انه يدرکه او خيراً منه فی المدينة، وقيل اللام للعهد والمراد بها سرّ من رای یعنی ان سفراء من اهل سر من رای يعرفونه فسلهم عنه). [۲۶] مقصود امام (ع) از مدینه، همان مدینه طيبة است. شاید امام (ع) می دانست که شخص سؤال کننده، مهدی (ع) و یا خبر او را در مدینه خواهد یافت. برخی گفته اند الف و لام کلمه (المدينة) برای عهد است و مقصود سامراست. به این معنی که سفیران و نمایندگان خاص حضرت حجت (ع) که در سامرا هستند، او را می شناسند. از آنان راجع به فرزند من، پرس. علامه مجلسی، در آغاز نظر خود را نسبت به این روایت، به صراحت اعلام می دارد و مدینه را به همان مدینه معروف و مشهور تفسیر می کند و قول دیگر را با تعبیر (قیل) می آورد که حکایت از آن دارد که مورد تایید وی نیست. مؤید این احتمال (که مدینه همان مدینه طيبة باشد) روایتی است که از امام جواد (ع) رسیده. راوی می گوید از ایشان پرسیدم (... مَن الخلف بعدك؟ فقال بنی علی وابنا علی، ثم اطرق ملياً، ثم رفع راسه، ثم قال انها ستكون حيرة، قلت فاذا كان ذلك فالی أين؟ فسكت، ثم قال لا این - حتی قالها ثلاثاً فاعدت عليه، فقالالی المدينة، فقلتالی المدين؟ فقالمديتنا هذه وهل مدينة غيرها). [۲۷] جانشین شما کیست؟ امام (ع) فرمود فرزندم علی و فرزند او

[حسن بن علی] سپس چند لحظه ای ساکت شد و بعد فرمود به زودی شما دچار حیرت خواهید شد. گفتمدر این دوران حیرت چه کنیم و کجا برویم؟ امام(ع) ساکت شد، سپس سه مرتبه فرمودجایی نیست. باز از ایشان پرسیدم. در پایان فرمودمدینه. گفتم کدام مدینه؟ فرمود همین مدینه [طیبه] و آیا غیر از این مدینه ای هست؟ قرائن و شواهد تاریخی آن زمان نیز، این احتمال را تایید می کند. نمونه زیر، بیانگر آن است که شیعیان، امام مهدی را در مدینه طیبه می جستند. محمد بن حسن (۲۳۶-۳۱۶) از کسانی است که برای تحقیق و بررسی مساله غیبت به مدینه رسول رفت. در این باره نوشته اند(وکان من محله فی الشیعه انه کان الوافد عنهم الی المدینه عند وقوع الغیبه سنه ستین وماتین واقام بها سنه، وعاد وقد ظهر له من امر الصاحب علیه السلام ما احتاج الیه) [۲۸] محمد بن حسن، در میان شیعیان، موقعیت ویژه ای داشت. در سال ۲۶۰ هجری به عنوان تحقیق و بررسی مساله غیبت امام مهدی(ع) وارد مدینه شد و یک سال در آن جا، بماند و سپس برگشت و آنچه درباره امام زمان(ع) بدان نیاز بود، بر وی، روشن شد [و شیعیان را در جریان قرار داد] در این نقل تاریخی، هیچ اشاره ای به سامرا نشده، معلوم می شود که در نزد گروهی از شیعیان آن زمان، مسلم بوده است که امام(ع) در مدینه زندگی می کند، یا از آن جهت که حضرت در آن جا به دنیا آمده و بزرگ شده است، و یا این که پس از ولادت در سامرا، به مدینه آورده شده، تا از دست ماموران خونخوار خلیفه در امان باشد. اگر قرار بر این بود که حضرت حجت(ع) از دست توطئه گران و مخالفان در امان بماند و به گونه طبیعی دوران کودکی و رشد خود را پشت سر بگذارد، بهترین جا برای این دوران، مدینه بوده است؛ زیرا هم از مرکز خلافت (سامراء) به دور بوده و هم خانواده بنی هاشم، در مدینه از پایگاه و موقعیت ویژه ای برخوردار بودند و می توانستند از این مولود مسعود، به بهترین وجه محافظت کنند، تا از گزند حوادث و آفات مصون بماند. و این، با اصل این که آن حضرت (خفی الولادة والمنشا) [۲۹] است نیز، سازگاری دارد. از سوی دیگر، حضور حضرت در سامرا، به گونه عادی و معمولی، با توجه به کنترل شدید دشمن نسبت به خانه امام(ع)، غیر ممکن بوده و لزومی هم ندارد که همه چیز را با اصل معجزه و کرامت حل کنیم. پذیرفتن این نکته که امام(ع) در مدینه متولد شده و یا دست کم، پس از ولادت، به آن جا انتقال یافته و در آن جا دوران رشد و کودکی را پشت سر نهاده، با اصول امنیتی، بیشتر سازگار است.

پنهان بودن میلاد امام

تاریخ دوران بنی امیه و بنی عباس، به ویژه از زمان امام ششم حضرت صادق علیه السلام به بعد، گواه آنست که خلفاء نسبت به امامان معصوم بسیار حساس شده بودند، و هر چه زمان پیش می رفت نفوذ آنان بیشتر و علاقه مردم به آن بزرگواران افزونتر می شد، تا آنجا که خلفاء عباسی حکومت خود را در معرض خطر می دیدند، به ویژه که شهرت داشت مهدی موعود(ع) از نسل پیامبر و از دودمان امامان معصوم و حضرت عسکری بوجود خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پر می سازد؛ از این رو امام عسکری(ع) سخت مورد مراقبت بود و همانند پدر و جد و جد اعلای خویش در مرکز حکومت عباسی «سامراء» زیر نظر قرار داشت، و از سوی عباسیان کوشش می شد تا از به وجود آمدن و پرورش کودک موعود جلوگیری شود، ولی مشیت الهی بر حتمیت این تولد قرار گرفته بود و تلاش آنان بی ثمر ماند، و خدای متعال ولادت او را همانند موسی مخفی قرار داد، در عین حال اصحاب خاص امام عسکری(ع) بارها امام موعود را در زمان حیات پدرش دیدند، و به هنگام درگذشت حضرت عسکری(ع) نیز امام عصر(عج) ظاهر شد و بر جنازه پدر نماز گزارد و مردم او را مشاهده کردند و پس از آن غایب گردید. از هنگام تولد امام قائم(ع) تا شهادت پدرش حضرت عسکری(ع) بسیاری از بستگان و یاران ویژه امام یازدهم موفق به دیدار او شدند یا از وجود او در خانه امام آگاه گشتند؛ اصولاً روش امام عسکری(ع) چنین بود که در عین پنهان داشتن فرزند ارجمند خویش، در فرصتهای مناسب یاران مورد اطمینان را از وجود او آگاه می فرمود تا آنان به شیعیان برسانند و پس از او در گمراهی نمانند؛ برای نمونه به چند مورد اشاره می کنیم ۱- «احمد بن اسحاق» که از بزرگان شیعه و پیروان ویژه امام عسکری(ع) است می گوید «خدمت امام عسکری(ع) شرفیاب شدم، و می

خواستم در مورد جانشین پس از او پرسش کنم، و آن گرامی بدون آنکه سؤال کنم فرمودای احمد، همانا خدای متعال از آن هنگام که آدم را آفرید زمین را از حجت خدا خالی نگذاشته و نیز تا قیامت خالی نخواهد گذاشت، به جهت حجت خدا از اهل زمین رفع بلا می شود و باران می بارد و برکات زمین خارج می گردد. عرض کردم ای پسر رسول خدا، امام و جانشین پس از شما کسیت؟ آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و بازگشت در حالیکه پسری سه ساله که رویی همانند ماه تمام داشت بر دوش خویش حمل می کرد و فرمودای احمد بن اسحاق، اگر نزد خدای متعال و حجت‌های او گرامی نبودی ای پسر من را به تو نشان نمی دادم، همانا او همان رسول خدا و هم کنیه اوست، او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می سازد همچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد. ای احمد بن اسحاق مثل او در این امت مثل «خضر» علیه السلام و «ذوالقرنین» است، سوگند به خدا غایب می شود بطوریکه در زمان غیبت او از هلاکت نجات نمی یابد مگر کسی که خداوند او را بر اعتراف به امامت وی ثابت قدم بدارد و موفق سازد که برای تعجیل فرج او دعا کند. عرض کردم سرور من، آیا نشانه ای دارد که دل من به آن اطمینان (بیشتری) پیدا کند؟ (در این هنگام) آن پسر به عربی فصیح گفت «منم بقیه الله در زمین، همانکه از دشمنان خدا انتقام می گیرد، ای احمد بن اسحاق پس از مشاهده عینی دنبال اثر نگرد...» مرحوم صدوق می فرماید این روایت را به خط «سعد بن عبدالله» و او از «احمد بن اسحاق» نقل کرد. اعتقد به حضرت مهدی موعود در سایر ادیان اعتقاد به امام مهدی موعود علیه السلام که مصلح الهی و جهانی است در بسیاری از مذاهب و ادیان وجود دارد، و نه تنها شیعه که اهل تسنن و حتی پیروان ادیان دیگر مانند یهود و نصاری و زردشتیان و هندویان به ظهور یک مصلح بزرگ الهی اذعان و اعتراف دارند و آنرا انتظار می برند. در کتاب «دید» که نزد هندویان از کتب آسمانی است آمده پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او منصور باشد، و تمام عالم را بگیرد و بدین خود در آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید. و در کتاب «جاماسب» شاگرد زردشت ذکر شده مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش بود با سپاه بسیاری و روی به ایران نهاد و آبادان کند و زمین پردازد کند و از داد وی باشد گرگ با میش آب خورد. در کتاب «زند» که از کتابهای مذهبی زردشتیان است آمده نگاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود، و اهریمنان را منقرض می سازد و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارد، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست. و در تورات، در سفر تکوین از دوازده امام که از نسل اسماعیل پیامبر بوجود می آیند سخن گفته شده است «و در حق اسماعیل ترا شنیدم اینکه او را برکت داده ام و او را بارور گردانیده به غایت زیاد خواهم نمود و دوازده سرور تولید خواهد نمود و او را امت عظیم خواهم نمود» و در مزامیر حضرت داود علیه السلام نوشته است «.. و اما صالحان را خداوند تأیید می کند... صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا همیشه ساکن خواهند بود» و در قرآن کریم نیز ذکر شده است «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» ما در زبور (داود) دنبال ذکر (یعنی تورات) نوشتیم که بندگان شایسته ماوارث زمین خواهند شد. و باز قرآن می فرماید «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم و ليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و ليعبدونهم من بعد خوفهم انما يعبدونني لا يشركون بي شيئاً» خداوند به کسانی از شما میماند که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و عده داده است که آنان را در زمین خلیفه و جانشین سازد چنانکه گذشتگان را خلافت و جانشینی بخشید و دینی را که خدا بر ایشان پسندیده است برقرار نماید و ترس آنان را به ایمنی تبدیل کند که مرا عبادت می کنند و چیزی را شریک من قرار نمی دهند. و نیز می فرماید «و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين» اراده کرده ایم که بر مستضعفان (خداپرستانی که زیر بار ستمگران ناتوان شده اند) منت نهیم و آنان را پیشوا و وارث زمین سازیم. این گونه آیات که نمونه ای از آن ذکر شد گواه آنست که سرانجام، جهان در دست بندگان شایسته الهی قرار خواهد گرفت و این میراث به آنان خواهد رسید و به مقام رهبری و پیشوایی

جهانیان نائل خواهند آمد. اگر بشر از مسیر صحیح و راه خدا منحرف مانده و تا عمق پرتگاههای انحراف و پستی سقوط و نزول کرده است، در واقع به حدّ نهائی این قوس نزولی چیزی نمانده است و به زودی وجدان بشریت بیدار می شود و درمی یابد که با تکیه بر زور و توانائی، یا خرد و اندیشه خود و تکنیک و علوم مادی نمی تواند نظم و عدالت و سعادت فراگیر را در جهان مستقر سازد، و راهی جز این ندارد که مناسبات خود را بر اساس ایمان و وحی و پذیرش ولایت الهی استوار سازد و با رهبری مصلحی الهی و جهانی خود را از گرداب خطرهای نجات بخشد و راه کمال را بیپیماید تا حکومتی جهانی بر اساس عدالت همراه با امنیت، صفا و صمیمیت برقرار گردد.

راه شناخت مهدی

برای شناخت حضرت مهدی (علیه السلام) و ویژگی های شخصی و کیفیت غیبت و ظهور او هیچ وسیله ای بهتر از آیات شریفه قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) نیست. با اینکه در این زمینه و با اتکای به همین آیات و روایات، بیش از هزار کتاب و رساله نوشته شده است باز هم به طور یقین می توان گفت که در تمامی آنها، جز بخش کوچکی از معارف مربوط به این آخرین ذخیره الهی، تبیین نشده است. زیرا ابعاد وجودی او را - همچنان که در باره امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده اند - کسی جز خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به تمام و کمال نشناسد. و باز کلام خدا و پیامبر و اهل بیت را هرکسی به درستی فهم نتواند کرد. علاوه بر این، خاصیت دوران غیبت است که نمی توان مطمئن بود که همه فرمایشات آنان به ما رسیده باشد. با این همه، آنچه در پی می آید تنها مروری بر پاره ای عنوانین و ذکر نمونه هایی در هر باب است. بسان بر گرفتن قطره هایی از دریایی بی کرانه، که گفته اند: آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

مهدی موعود اسلام از عرب است

بر اساس روایات «متواتر»، مهدی موعود اسلام از «عرب» است. تمام روایاتی که درباره نسب آن حضرت رسیده است، دلالت دارد که حضرت از «عرب» می باشد؛ ولی در عین حال برای اثبات این مطلب، روایتی نقل می کنیم. مردی حضور امیرمؤمنان (علیه السلام) شرفیاب گردید و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! ما را از مهدی خودتان آگاه کنید! حضرت فرمود: هنگامی که رفتی ها رفتند و منقرض شدند، و مؤمنین اندک گردیدند و طرفداران حق؟ از میان رفتند، پس آن وقت است آن وقت. عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! مهدی (علیه السلام) از چه طایفه ای است؟ فرمود: مهدی (علیه السلام) از «بنی هاشم، قلّه شامخ نژاد عرب است...»

مهدی از بنی هاشم است

«قتاده» گوید: «قلت لسعيد بن المسيّب: أحقّ المهدی؟ قال: نعم، هو حقّ. قلت: ممّن هو؟ قال: من قریش. قلت: من أی قریش؟ قال: من بنی هاشم.» از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی بر حق است؟ گفت: آری، او حق است. گفتم: مهدی از چه طایفه ای است؟ گفت: از قریش است. گفتم: از کدام تیره قریش؟ گفت: از بنی هاشم است

مهدی از قریش است

ابن حجر هیتمی مکی، در کتاب «الصواعق المحرقة» از دو تن از دانشمندان بزرگ اهل سنّت (احمد و ماوردی) روایت کرده است که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره بشارت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) فرمود: «ابشروا بالمهدی، رجل من قریش من عترتی، یخرج فی اختلاف من الناس و زلزال، فیملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً، و یرضی عنه ساکن

الأرض و السماء، و یقسّم المال صحاحاً بالسویة». «بشارت باد شما را به مهدی (علیه السلام)! او مردی از «قریش» و از عترت من است که پس از اختلاف زیاد و عدم امتیّت ظهور خواهد نمود. زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد. ساکنان زمین و آسمان از او راضی و خشنود می گردند و اموال را به طور مساوی در بین مردم تقسیم می کنند». در این باب گروهی از دانشمندان شیعه و سنی مانند مرحوم سید بن طاووس (رحمه الله) در کتاب «الملاحم والفتن» و یوسف بن یحیی مقدسی شافعی در کتاب «عقد الدرر» و علی متقی هندی در کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» از اسحاق بن یحیی بن طلحه تمیمی از طاووس روایت کرده اند که گفت: «وَدَعَ عمر بن الخطاب البیت، ثم قال: واللّٰه! ما أدری أدعُ خزائن البیت، و ما فیه من السلاح و المال، أم أقسّمه فی سبیل اللّٰه؟ فقال له علی بن ابی طالب (علیه السلام): امض فلست بصاحبه، إنّما صاحبه منّا، شابٌّ من قریش، یقسّمه فی سبیل اللّٰه تعالی فی آخر الزمان» «عمر بن خطاب در هنگام وداع با کعبه، گفت: به خدا قسم! نمی دانم با آنچه در خزانه بیت است چه کنم؟ آیا این همه سلاح و اموال را به حال خود واگذارم یا آنها را در راه خدا قسمت کنم؟ امیرمؤمنان (علیه السلام) به او فرمود: از آنها بگذر که تو صاحب آنها نیستی؛ صاحب آنها جوانی از ما (اهل بیت) و از «قریش» است که آنها را در آخر الزمان در راه خدا تقسیم می کند». مقصود از قریش، نضر بن کنانه است. علامه دهخدا، در کتاب «لغت نامه» می نویسد: «قریش، نام قبیله ای است. پدر این قبیله، نضر بن کنانه است. این قبیله را قریش نامند از آن جهت که گرد حرم (یعنی: در اطراف خانه خدا و سرزمین مکه) فراهم آمده اند».

مهدی از اهل بیت پیامبر است

در «سنن» ترمذی از قول عبدالله بن مسعود آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «لو لم یبق من الدنیا إلاّ یوم لطول اللّٰه ذلک الیوم حتی یبعث رجلاً منّی - أو من اهل بیتی - یواطیء اسمه اسمی، یملاؤ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً». «اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را به حدی طولانی می سازد تا این که در آن روز، مردی را که از فرزندان من - یا از اهل بیت من - و هم نام من است برانگیزاند که زمین را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد». در کتاب «کنز العمال» از قول ابوهریره آمده است: «لو لم یبق من الدنیا إلاّ لیلۃ لطول اللّٰه تعالی تلک اللیلۃ حتی یلی رجلٌ من اهل بیتی» «اگر از عمر دنیا به جز یک شب باقی نمانده باشد، خدای تعالی آن شب را طولانی می گرداند تا این که مردی از اهل بیت من زمام امور را به دست گیرد». در «سنن» ابو داوود آمده که پیامبر فرمود: «لو لم یبق من الدهر إلاّ یوم لبعث اللّٰه رجلاً من اهل بیتی یملاؤها عدلاً كما ملئت جوراً» «اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا برانگیزد که دنیا را پر از عدل نماید چنان که پر از ستم شده باشد». در «سنن» ابن ماجه، از قول ابوهریره آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «لو لم یبق من الدنیا إلاّ یومٌ، لطوله اللّٰه تعالی حتی یملک رجل من اهل بیتی...». «اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را طولانی کند تا این که مردی از اهل بیت من حکومت را به دست گیرد». در «سنن» ابن ماجه، و مصادر دیگر از قول علی بن ابی طالب (علیه السلام) آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «المهدی منّا اهل البیت، یصلحه اللّٰه فی لیلۃ» «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند یک شبه امر او را به سامان می آورد». در «مستدرک حاکم» از قول ابو سعید خدری آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «مهدی، از ما اهل بیت است». سپس حاکم می نویسد: این حدیث بنا به شرط مسلم، صحیح است، اما بخاری و مسلم آن را نیاورده اند. (در کتاب «مطالب السؤل» درباره معنای «اهل بیت» چنین می نویسد: «گفته شده: اهل بیت پیغمبر خدا افرادی هستند که نَسَب آنان به جدّ آن حضرت منتهی می شود. قول دیگر آن است که: اهل بیت آن بزرگوار اشخاصی هستند که از یک «رَحِم» باشند. قول دیگر آن است که اهل بیت آن حضرت، آنهایی هستند که به واسطه نسب یا سبب به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) متصل شوند. کلیه این معانی درباره اهل بیت آن بزرگوار

صدق می‌کند؛ زیرا نسب آنان به جدّ پیغمبر خدا که عبدالمطلب باشد منتهی می‌گردد، و اهل بیت پیغمبر با خود آن حضرت از یک رَجَم هستند، و به وسیله نسب و سبب هم به پیغمبر خدا متصل می‌شوند، پس ایشان حقیقتاً اهل بیت پیغمبر اکرم می‌باشند، و معنای آل و اهل بیت هم یکی است... پس معنای حقیقی کلمه آل و اهل برای اهل بیت رسول خدا ثابت است. مسلم در کتاب صحیح خود از یزید بن حیان روایت کرده که گفت: «من و حصین بن سبره و عمر بن مسلم نزد زید بن ارقم رفتیم. وقتی پیش او نشستیم، حصین گفت: ای زید! تو خیر زیادی دیدی، تو رسول خدا را دیدی، حدیث آن حضرت را شنیدی، با آن بزرگوار در راه خدا جنگ کردی، پشت سر آن حضرت نماز خواندی، حقاً که تو خیر زیادی دیدی، بگو ببینیم که از پیغمبر خدا چه شنیدی؟ زید بن ارقم گفت: ای برادر زاده! پیر شده ام و بعید العهد، بعضی از چیزهایی را که از رسول خدا یاد گرفتم فراموش کرده ام، آنچه را که برای شما می‌گویم قبول کنید و آنچه را که نمی‌گویم مرا به گفتن آن مجبور ننمایید. سپس گفت: یک روز پیغمبر اکرم کنار برکه آبی که بین مکه و مدینه است و آن را «خم» می‌گویند، پیا خاست و خطبه خواند؛ حمد و ثنای خدای را به جا آورد و موعظه کرد آنگاه فرمود: ای مردم! من هم بشری - مثل شما - هستم که نزدیک است قاصد پروردگارم (ملک الموت) بیاید و من او را اجابت نمایم. من در میان شما دو چیز گرانبها را به جا می‌گذارم؛ یکی کتاب خدای که مشتمل بر هدایت و نور است، پس کتاب خدا را بگیرید و به آن چنگ زنید... و دیگری اهل بیت من است؛ من خدا را درباره اهل بیتم به شما یادآور می‌شوم، خدا را در نظر آورید در رفتار با اهل بیتم. حصین بن سبره به زید بن ارقم گفت: ای زید! اهل بیت پیغمبر خدا کیانند؟ مگر زنان آن حضرت از اهل بیتش نبودند؟ زید گفت: زنان پیامبر خانواده او بودند، ولی اهل بیت پیغمبر اکرم کسانی هستند که گرفتن صدقه بر آنها حرام است». همچنین مسلم در کتاب «صحیح» خود در حدیث دیگری از زید بن ارقم آورده است که راویان حدیث مزبور گفتند: «... پس ما با همدیگر گفتیم: اهل بیت پیغمبر چه کسانی می‌باشند؟ زنانش؟! زید گفت: نه، به خدا قسم! زن مدّتی از زمان را با شوهرش می‌باشد، سپس ممکن است طلاقش دهد و به سوی پدر و قومش باز گردد؛ ولی اهل بیت پیامبر هستند که گرفتن صدقه، بر آنان حرام است»

مهدی از اولاد کنانه است

مقدسی شافعی در کتاب عقد الدرر نقل کرده که «قتاده» گوید: «قلت لسعيد بن المسيّب: المهديّ حقّ؟ قال: حقّ. قلت: ممّن؟ قال: من كنانة. قلت: ثمّ ممّن؟ قال: من قريش. قلت: ثمّ ممّن؟ قال: من بني هاشم. قلت: ثمّ ممّن؟ قال: من ولد فاطمة (عليها السلام)». «از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی (علیه السلام) بر حقّ است؟ گفت: آری. گفتم: مهدی (علیه السلام) از چه طایفه ای است؟ گفت: از کنانه. گفتم: بعد از آن؟ گفت: از قریش. گفتم: بعد از آن؟ گفت: از بنی هاشم. گفتم: بعد از آن؟ گفت: از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است». مقصود از «کنانه»، کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان جدّ پیامبر اسلام (علیه السلام) است. مرحوم آیه الله سید صدر الدین صدر، در کتاب «المهدی (علیه السلام)» در این باره می‌نویسد: در کتاب «سبائک الذهب» می‌گوید: «بنی کنانه» گروهی از «مضر» هستند. مضر، دارای فرزندان بود که پدران و اجداد پیامبر بودند تا به «نضر» منتهی می‌شود.

پاورقی

[۱] (کتاب الغیبه)، شیخ طوسی تحقیق شیخ عباد الله تهرانی و شیخ علی احمد ناصح، ۱۳۶ - ۱۴۱، مؤسسه معارف اسلامیة. (کتاب الغیبه)، محمد بن ابراهیم نعمانی تحقیق علی اکبر غفاری / ۱۱۶ - ۱۲۶، مکتبه صدوق. (کنز العمال فی سنن الاثقال والائفعال) علاء الدین هندی، ج ۲۶۱/۱۴ تا ۲۷۶.

- [۲] (اثبات الوصیة)، مسعودی ۲۷۶/، دارالانضواء، بیروت. (مروج الذهب ومعادن الجوهر) مسعودی، ج ۴/۱۹۹، دارالمعرفة، بیروت. (کمال الدین) شیخ صدوق ۴۳۴/.
- [۳] (بحار الانوار)، علامه مجلسی، ج ۵۰/۷۳، مؤسسه الوفاء، بیروت؛ (اثبات الوصیة)، مسعودی ۲۳۷/.
- [۴] (بحار الانوار)، ج ۵۰/۱۱۳.
- [۵] (همان مدرک)، ۲۰۰۴/ (مروج الذهب)، ج ۴/۹۳.
- [۶] (کتاب الغیبة)، شیخ طوسی ۲۳۱/.
- [۷] (همان مدرک)؛ ۶۴۴/ (کمال الدین) صدوق ۴۱۷/ -؛ ۴۲۳/ (بحار الانوار)، ج ۵۱/۱۲ -؛ ۲۵/ (اثبات الوصیة) ۲۷۲/.
- [۸] (اثبات الوصیة) مسعودی ۲۶۸/ ۲۷۰/.
- [۹] (اثبات الوصیة) مسعودی ۲۶۸/ ۲۷۰/]
- [۱۰] (ینابیع المودة)، حافظ سلیمان ۴۵۵/، بصیرتی، قم.
- [۱۱] (کمال الدین) ۴۲۴/.
- [۱۲] (کتاب الغیبة) شیخ طوسی ۲۳۷/.
- [۱۳] (همان مدرک) ۲۳۱/، ۲۳۹، ۲۳۲/.
- [۱۴] (همان مدرک) ۲۳۱/، ۲۳۹، ۲۳۲/.
- [۱۵] (همان مدرک) ۷۷/، ۱۰۵/.
- [۱۶] (بحار الانوار)، ج ۱۲/۱۹.
- [۱۷] (همان مدرک)، ج ۱۳/۱۵.
- [۱۸] (کتاب الغیبة)، شیخ طوسی ۲۳۰/، ۲۵۱/ (کمال الدین) ۴۳۴/.
- [۱۹] (کتاب الغیبة)، شیخ طوسی / ۲۳۲/ (کمال الدین) ۴۲۹/.
- [۲۰] (کمال الدین) ۵۰۱/.
- [۲۱] (همان مدرک)؛ ۴۳۵/ (سفینه البحار)، شیخ عباس قمی، ج ۲/۷۰۳.
- [۲۲] (المقالات والفرق)، سعد بن عبدالله ابی خلف الاشعری القمی، با مقدمه و تصحیح جواد مشکور، مقدمه/ط، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۲۳] (کمال الدین) ۴۳۴/.
- [۲۴] (اثبات الوصیة)، مسعودی، ۲۷۱/.
- [۲۵] (اصولی کافی)، کلینی ج ۱/۳۲۸، دارالتعارف، بیروت.
- [۲۶] (مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول)، علامه مجلسی، ج ۴/۲، دارالکتب الاسلامیة، تهران.
- [۲۷] (کتاب الغیبة)، نعمانی ۱۸۵/.
- [۲۸] (رسالة ابی غالب الزراری) ۱۴۱/، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- [۲۹] (اصول کافی)، ج ۱/۳۴۱ (مرآة العقول)، ج ۴/۵۷.

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

